

راپورت مخصوص رعایای دواساز

محمدرضا جعفرزاده

دانشجوی داروسازی - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

پنج روز ماقبل از تولد شیخ رازی بوده تا از این بابت اطباء مملکت هیچ از جماعت دواساز کم نیاورد بلکه در ادای مراسم گوی سبقت هم بریابند. زهی خیال باطل! که در شجره نامه حرفه دواسازی اعظم و اکابر کثیری طلوع کرده که هر چه ما کتابت کنیم به قدر یک عشر هم به حساب نیامده، اگر سیصد و شصت و پنج روز هر سنه را به اسم هر یک از اعظم فن دواسازی کنند، سر آخر هر یوم چندین کرت القاب مختلفه اخذ کند. سر آمد همه اجله حکیم شاعر دوا فروش، «ناصرخسرو قبادیانی» بوده که در هیچ کجای ممالک داخله و خارجه همتا نداشته، بالجرأة سیستم دارورسانی ناصرخسرو^(۱) در هیچ فارماکوپه ای مکتوب نشده و هر دوا از شیر (خشک) مرغ تا (بلای) جان آدمیزاد داشته به چند مقابل بهای ممالک فرنگ.

فی الحال که رشته کلام به شارع ناصرخسرو اوفتاده، مستحسن است مبالغی در باب احوالات فن دواسازی و مراتب و درجات که بر آن عارض شده کتابت بفرماییم تا رعایا و عوام الناس گمان باطل نکنند که از روز ازل وضع همین بوده که هست.

در سنه یکهزار و دویست و بیست و نه هجری خورشیدی به فرمان میرزاتقی خان

در هیچ کجای ممالک فرنگ به قدر مملکت محروسه ایران از برای رعایای دواساز قدر و منزلت قائل نیستند که یک روز از ایام هر سنه را به اسم ایشان کرده، جشن می گیرند و جماعتی از دکاتر دواساز مملکت را گرد آورده از برای آنها وعظ می فرمایند.

از سنوات ماضیه پنجم برج شهریور هر سنه، سالروز ولادت محمدبن زکریای رازی را روز دواساز لقب داده، مراسم می گیرند. هر کس از این جماعت مشعوف بوده، دور هم جمع شده، چاهی و شیرینی جات و تنقلات خیرات می کنند. الحق که زکریای رازی آدمیزاد بزرگی بود که حالل مسکر صناعت دواسازی را از آب انگور استحصال کرده، عمل رعایای دواساز را سهل و آسان فرموده. فی الواقع این کشفیه شیخ رازی هر آنچه از مایعات و جمادات را در خود محلول کرده، به طرفه العین آدمیزاد را هم از خود بیخود می کند.

از چند سنه اخیر مرسوم شده که اطباء مملکت هم سالروز تولد شیخ الرئیس ابوعلی سینا را روز طبیب اسم کرده، عکس فوتوغرافی شیخ را روی کاغذ ملون گراور کرده، در و دیوار مریضخانه ها و محکمه اطباء را با آن کاغذ دیواری مزین فرموده اند. فی الواقع یوم المذكور

امیرکبیر از برای پروگرس علوم جدیده مدرسه لارالفنون تأسیس شد که در شاخه علم طب یک نفر معلم دواساز از اهالی مملکت روم به تدریس اشتغال داشته تا که در سنه یکهزار و سیصد و یک هجری خورشیدی مدرسه دواسازی در بلد طهران دایر شد. در سنوات قبل عطاران کما فی السابغ عمل دواساز را انجام داده، در امورات دوا و گیاهشناسی داخل بوده و اولین دواخانه گیاهی توسط ایشان در مریضخانه دولتی آغاز کار کرد. اول دواخانه به سبک و سیاق جدیده توسط موسیوشورین خان که یک نفر رجل دواساز اهل مملکت جرمانی بوده در شارع ناصرخسرو تأسیس شده به کسب مداخل مبادرت کرد.

شأن و منزلت والا و مواجب عظیم که قسمت دواساز می شده، باعث شد هر کس یک چند پیش استاذ دواساز شاگردی کرده - چون نظامنامه مدون از این بابت نبوده - دواخانه مفتوح کند.

از این بابت وزارت معارف وقت نظامنامه دوافروشی وضع کرده که به موجب آن اصحاب مربوطه بایستی اجازه نامه اخذ کرده، مبادرت به تأسیس دواخانه کنند.

فی الحال در هر محفل خفیه و علانیه صحبت از مشکلات و مضایق مبتلا به دواخانه و دواسازهای مملکت بوده، هر کس به فکر چاره است. رعایای دواساز علیرغم سابق از اوضاع اکونومیکی و امورات معیشت دواخانه مغبون بوده، از بابت تعهدات اداره جات بیمه شکوائیه داشته، هیچ رضایت ندارند. هر کس از رعایا از بابت مداخل دواخانه متضرر بوده، هیچ فایده عاید نمی شود. گویا اداره جات بیمه به تعهدات خود عمل نکرده، مواجب جماعت دواخانه چی را

نپرداخته. رعیت اهل شباب هم یوماً و لیل از پی عهد قرار با اداره جات بیمه خواب بر عیون نداشته، علی الدوام در دیوانخانه و وزارت حفظ الصحه درآمد و شد هستند. اقتصادیات و معیشت دواخانه به قاعده ای که امروزه جاری بوده هیچ عاقبت ندارد و یمن که این افراد مبالغی هم مقروض بشوند.

فی هذه الایام اگر چه خرج دواخانه بیست و مداخلش نوزده است ولی بها و ارزش آن سر به فلک کشیده، هیچ کس را یارای ابتیاع آن نبوده. علی القیاس پس از جنگ ایران و روس و انعقاد معاهده ننگین مقرر شد که ایران مبلغ ده کرور تومان بابت غرامت به دولت روس بپردازد. فی الحال اجازه نامه تأسیس یک دواخانه در مملکت طهران سی کرور تومان بوده که به عبارتی سه مقابل غرامت جنگ ایران و روس است.

فی یومنا اقتصادیات و معیشت جماعت دواساز در راسته ناصرخسرو تعیین می شود و هر کیمیا و اکسیر که تخمش را ملخ خورده در آنجا به وفور یافت می شود. این جمعیت که در ناصرخسرو ملاحظه شده یک مقداری عمله جات تجار و کسبه اند و هیچ مربوطه به دوا و درمان و فوائد عامه ندارند و در ناصیه شان رنگ معرفت معلوم نبوده، هر کس از آنها مشغول بیع و شراء و امورات کسب و مداخل بوده، هیچ از بابت احوال عوام الناس محزون نیستند. در این اوضاع و احوال که امورات مربوطه با مخارج دوا وابسته به مداخل نطف سیاه و دولار مملکت اجنبی و ین چاپون و مارک جرمانی و پوند اینگلیز بوده، اگر چه بهای نطف افول کند هیچ بعید نیست مایحتاج عوام کمیاب شود و گذر هر کس به ناصرخسرو

بیفتد و با یک کرور تومان، شیره هم نتوانند بخرند به سرشان بمالند چه رسد به دوا! الا ای حال رؤسای مملکت باید فکری بکنند تا مخارج درمان از مداخله نطف سوا شود.

فی الحال امورات مربوط با دوا و درمان از اهم امور مملکت است و هیچکس به قدر معاونت ادویه و اطعمه وزارت حفظ الصحة از این بابت به زحمت نبوده تا اسباب سلامت رعایای مملکت را مهیا کند.

به قدر چند ماه بوده که یک نفر دواساز از اعظام دکاتر مملکت طهران یعنی میرزا مرتضی خان آذرنوش رئیس امورات ادویه و اطعمه مملکت اسلام گشته، هر کس از رعایا از این بابت مشعوف بوده، اولاً به خاطر این که میرزا مرتضی خان دواساز و رئیس انجمن دواسازان مملکت ایران بوده و کلیه مشکلات و امورات دواخانه را بلد است. دویم این که میرزا رئیس انستیتو پاستور بوده و در علوم طبیعی و علوم جدید از اجلة علماست. قبل از میرزا مرتضی خان، معاونت وزارت حفظ الصحة مملکت میرزا ابوالحسن خان احمدیانی آینده نگر بوده که هیچ کس به طور ایشان در علوم فارماکولوجی داخل نبوده، به یک عمر در فاکولته تدریس کرده و موش آزمایش کرده، فی الیوم استاذ اساتید آینده نگر است. نقل است از بزرگان که چون میرزا ابوالحسن خان پیش پایش را نظاره می کرد، صد سال آینده را رؤیت می فرمود و هیچ وقت به آینه نگاه نکرد مگر خشت خام.

به قدر چند ماه قبل میرزا ابوالحسن خان یک فقره مذاکرات با جریده رازی داشته که در آن به قدر پنجاه گز در باب مشکلات و راه حل ها و اقدامات معموله مکتوب شده، مبالغی هم از بابت اشتغال

رعایای جوان مباحثت فرموده اند. امروزه اشتغال رعایای جوان که اخیراً از تحصیل فارغ شده از اهم امور است و دولت فخریه بایستی سعی مبذول دارد تا هر کس از رعیت اهل شباب را سرکار گذاشته (!) اشتغال زایی کند که این از برای معیشت دواسازان جوان بسیار مفید فایده است. میرزا ابوالحسن خان پیشنهاد داده تا دواخانه مریضخانه های دولتی را به سه تا ده نفر از رعایا تحویل داده تا هم زمینه اشتغال اهل شباب مهیا شود و هم بار وزین اقتصادیات دواخانه از گردن دولت فخریه کاهیده شود. از طرفی قومپانی های موزع دوا هم طلبشان تل انبار نشده، اقتصادیاتشان لطامات نمی خورد.

به قدر چند روز قبل نمره جدید جریده رازی را رؤیت کردیم. با یک کاغذ الوان که به رنگ آب زرشک بوده مجلد شده، بسیار شکیل و به قاعده است. جریده رازی یکی از جراید وزین مملکت اسلامی بوده که هر ماه به قاعده کتاب منطبع شده، هر کس از اعظام فن دواسازی در آن مقالات نبشته به مبلغ سیصد و پنجاه چوب می فروشند. رئیس الکتاب آن یک نفر رجل اهل طنز و مزاح بوده با اسم میرزا فریدون خان سیامک الدوله که در جریده گل آقا هم داخل بوده با اَسْماء مستعار از جمله حکیم باشی و عطار باشی و کاتب و پشمک و... مقالات مکتوب می فرمایند. جریده به قدر یازده سته است که علی الدوام منطبع شده و هیچ معذورات از بابت عدم انطباق نداشته. بسیار مستحسن است هر جریده که منطبع شده این طور بوده و باعث تعلیم و تعلم جماعت دواساز در اقصی نقاط مملکت محروسه گردد.

در هر نمره یکی دو مقاله از برای بازآموزی

داشته، سر آخر سؤال و جواب می‌کنند. در جریده چند نفر از اعظم دکاتر مملکت مستشار بوده که هیچ کس به قدر میرزا مسعودخان آذرنگی - استاذ اساتید نا - نزد جماعت معروف نبوده از بابت این که یک فقره کتاب تألیف کرده در باب عبور دوا از پوست.

فی الواقع هر چیز در سوراخ پوست جا نشود، چون مکتوبات میرزا برایش قرائت شود، فی الفور آب شده، به طرفه العین وارد سوراخ می‌شود. اخیراً میرزا با یک نفر از رجال دواساز یونیورسیتی طهران ماجرا کرده از بابت آب انژکسیون.

فی الحال که آب بلدیة طهران دو چار کمبود و نقصان است یحتمل ماجرا خاتمه شود (بعون الله تعالی).

یک روز در امورات خودمان مشغول بودیم که حاج میرزا فرشاد آقا مُنورالضمایر پیغام فرستادند اگر آب در دستتان هست، گذاشته فی المجلس به دفتر جریده رازی بروید. ما هم که هر چه اجله دستور کنند مسموع سمع است فی الفور مرکوب راهی سوار شده، قصد دفتر جریده کردیم. در اثنای راه چند کورت استفسار آدرس نمودیم تا بالاخره مراد حاصل شده به دفتر جریده رسیدیم. جلو دربخانه از فراش باشی سراغ دوکتر اعظم، میرزا مجتبی خان سرکندی را گرفتیم، نشانی دادند. رفتیم داخل آقا نبودند. گفتند بروید سراغ میرزا خلیل الدوله. رفتیم داخل سلام دادیم، مبالغی با میرزا معانقه کردیم. میرزا دستور فرمودند آبدارچی باشی از برای ما چاهی بیاورند. چاهی را شرب کردیم. مبالغی به یمین و یسار نظاره کردیم. به قدر یک خروار جریده روی هم انبار بود. میرزا خلیل الدوله یک

رقعه از جانب دوکتر اعظم، میرزامجتبی خان سرکندی به ما داده، خداحافظی کرده آمدیم.

بسیار مشعوف شدیم از بابت این که جماعتی از برای اطلاع رعایای دواساز از علوم و فنون از صبح علی الطلوع تا پسین عصر دفتر و دستک به هم زده، قبول زحمت کرده جریده منطبق می‌کنند. بالعینه رؤیت کردیم که امورات طبع و نشر چه قدر رنج و مشقت دارد و این جریده که هر ماه منطبق می‌شود، زیاده بر سسی چهل نفر خدم و حشم داشته تا به حلیه طبع، آراسته شود (حفظ الله امثالهم و اذنا بهم و اعوانهم).

الیوم که دوا در مملکت اسلام کمیاب بوده بر هر کس واجب است سر خود دوا مصرف نکنند بر اطباء محترم و محترمه واجب است بدون حاجت دوا تجویز نکنند و هر نوع اسراف در امورات دوا بکلی و بای نحو کان قدغن است. از این بابت اجله پیشنهاد فرموده‌اند تا فابریکها و قومپانی‌های دواسازی از انحصار خروج کرده، به امتداد طرح ژنریک، تهیه دواهای تجارتي محل اعتناست تا هم اسباب رقابت و انگیزه هویدا شود و هم کوالیتی و کیفیت محصولات فزونی یابد. در این اثنا قومپانی‌های دواسازی از برای پروگرس کوالیتی محصولات بایستی دواساز متخصص به خدمت گرفته که این امورات باعث سرکار گذاشتن رعیت دواساز می‌شود.

فی الواقع هیچ فعل به قدر اشتغال زایی و سرکار گذاشتن رعیت جوان به قاعده صواب نبوده و از برای رؤسای مملکت مستوجب ثواب نیست. والسلام

زیرنویس:

1. Naser khosro Drug Delivery System